

اشاره:

عباس محمدی‌آملی، طلبه سطح سه حوزه و قهرمان چندین دوره مسابقات جهانی ووشو، نایب‌ریس و عضو هیئت ریسه فدراسیون ووشوی جمهوری اسلامی ایران است که در کنار تحصیلات حوزوی خود، فعالیت‌های ورزشی‌اش را هم ادامه داده و ورزش را وسیله‌ای برای نشر دین و آموزه‌های مکتب تشیع قرار داده است. این طلبه جوان ثابت کرده که جایگاه طلاب فقط در عالم طلبگی محدود نمی‌شود.



تولد

در سال ۵۲ در خانواده‌ای مذهبی در آمل به دنیا آمد. مرحوم پدرم علاوه بر این که از جانبازان دوران انقلاب اسلامی بود، مدتی نیز در دفاع مقدس در جبهه حضور داشته و یکی از فرزندان خود را تقدیم انقلاب کرد. بنده نیز در اواخر جنگ و در سن ۱۴ سالگی چند ماهی توفیق حضور در جبهه‌های حق علیه باطل را داشتم.

ورود به حوزه

پس از جنگ تحصیلی و در سال ۶۹ با توجه به علاقه‌ای که به دروس حوزوی داشتم، تحصیلات دینی خود را در حوزه علمیه بابل آغاز کردم و پس از یک سال برای ادامه تحصیل به حوزه علمیه قم آمدم. در تحصیل علوم حوزوی بسیار جدی بودم؛ به طوری که در سال ۷۷ دروس سطح را گذرانده و وارد درس خارج شدم و در درس خارج فقه آیت‌الله صالحی مازندرانی حضور یافتم. پس از آن از محضر اساتید دیگری چون حضرت آیت‌الله جوادی آملی و آیت‌الله‌هاشمی شاهرودی بهره‌مند شدم.

ورزش را به خدمت

ترویج معارف اهل بیت (ع) در آورديم

آقای محمدی‌آملی معتقد است: یکی از رسالت‌های حوزه، تبلیغ است و در عرصه ورزش بالاترین ظرفیت برای تبلیغ وجود دارد. به گونه‌ای که در برخی ورزش‌ها مثل فوتبال برای مسابقه دو تیم مطرح جهان، حدود سه میلیارد نفر بازی را تماشا می‌کنند. کجا می‌توان چنین مخاطبی را پیدا کرد؟

امروز ملت‌ها و دولت‌ها نسبت به ورزش اهمیت زیادی قائل هستند و حتی کلیساها برای نشر مسیحیت در جهان، سرمایه‌گذاری‌های فراوانی در ورزش انجام می‌دهند.

تدریس دوره‌های ورزشی

از همان سالی که وارد حوزه قم شدم، در مدارس علمیه الهادی و حقانی کلاس ورزش‌های رزمی، برای طلاب برگزار می‌کردم و پنجشنبه و جمعه‌ها برای دوره خود به تهران می‌رفتم.

همچنین برای طلاب غیر ایرانی نیز در مدارس حجتیه، المهدی، امامیه، مرعشیه، امام خمینی (ع) و... تدریس داشتم و در مدت ده سالی که در مرکز جهانی علوم اسلامی (جامعه المصطفی) حضور داشتم، نزدیک به ۳۰ رشته ورزشی را در این مراکز راه‌اندازی نمودم. در یکی از سال‌هایی که در این مراکز حضور داشتم، ۶۵ داور و مربی تربیت کردم و در بسیاری از رشته‌هایی که هنوز در کشور نهاده نشده بود، در این مراکز مسابقات بین‌المللی برگزار می‌شد.

عضویت در هیئت ریسه فدراسیون ووشو

در فدراسیون‌ها، با توجه به اهداف بلندمدتی که دارند، اعضای هیئت ریسه فدراسیون‌ها تماماً نخبگان سیاسی هستند. ولی من وهادی سعی تنها افرادی هستیم که به عنوان چهره‌های ورزشی در هیئت ریسه فدراسیون‌ها راه یافتیم. من به عنوان عضو هیئت ریسه فدراسیون ووشو و آقای سعی نیز به عنوان عضو هیئت ریسه فدراسیون تکواندو. البته در همان سال نیز به عنوان نایب‌ریس فدراسیون ووشو انتخاب شدم. پس از نایب‌ریسی فدراسیون ووشو از ریاست هیئت ووشوی استان قم که خود در سال ۸۲ بنیانگذار این رشته در قم بودم و همچنین از جامعه المصطفی به دلیل مشغله کاری استعفا دادم.



طلبه‌ای بر بام جهان

گفتگو با عباس محمدی آملی طلبه‌ای که قهرمان جهان شد

آغاز ورزش حرفه‌ای

از ده سالگی ورزش رزمی را در کنار برادر شهیدم علیرضا محمدی که مربی بود، آغاز کردم و زمانی که وارد حوزه علمیه صدر بابل شدم، مربی جوانی در رشته ووشو بودم، البته در همان سال در رشته «کنگ‌فو» نیز حکم مربیگری داشتیم.

ورزشکار همه‌فن حریف

در سال ۷۳ اولین گروهی بودیم که در عرصه ملی به عنوان تیم منتخب «ووشو» انتخاب شدیم. تا سال ۷۷ در چندین رشته رزمی توانسته بودم حکم مربی‌گری را بگیریم و در حال حاضر دارای دان ۴ فول کنتاک، شال‌بند سبز کونگ‌فو، حکم مربیگری بین‌المللی و داوری رسمی ووشو هستم. با توجه به تلاش‌هایی که در عرصه ورزش‌های رزمی داشتم، به همراه دیگر دوستان خود توانستیم در سال ۷۷ کیک بوکسینگ را در ایران بنیانگذاری کنیم و در سال ۷۸ به عنوان مربی تیم ملی انتخاب شدم. علاوه بر ووشو، کاراته و کیک بوکسینگ در رشته‌های شنا، نجات غریق، کریکت، بیس‌بال، سیک‌تاکرا (والیبال با پا)، کونگ‌فو، ورزش باستانی، پرورش اندام و بدن‌سازی نیز مدرک مربیگری دارم.



ده‌مدال طلایی ناقابل!

در اولین دوره مسابقات جهانی ووشو که در سال ۲۰۰۳ در تهران برگزار شد، مقام قهرمانی را به دست آوردم. این قهرمانی در سال‌های دیگر نیز در کشورهای لبنان، آذربایجان، گرجستان، اکراین، روسیه، بلاروس، بلغارستان، ترکیه و چین نیز نصیبم شد.



فعالیت‌های تبلیغی و خاطراتی شنیدنی

من از سال ۱۳۷۳ در ایام محرم به مناطق مختلف اعزام می‌شدم و فعالیت‌های تبلیغی انجام می‌دادم. در یکی از ایام محرم، برای تبلیغ به لشکر ۲۳ تکاوری رفتم و دو سال پیاپی محرم در این پادگان بودم. اولین سالی که در این پادگان حضور یافتیم، از راننده خواستیم که من را به سالن ورزشی پادگان ببرد. مسئول آموزش آن‌جا سرگردی بسیار جدی بود و به صورت تخصصی آموزش ووشو می‌داد. شب اول که با آن‌ها دیدار کردم، برخی سربازان به لحنی شوخی، گفتند: «برای سلامتی حاج آقا صلوات»؛ فردای آن روز روحانیونی که در این پادگان حضور داشتند و نسبت به فعالیت‌های ورزشی من آگاه بودند، ماجرا را به دیگر افراد گفتند، البته سرگرد هنوز نسبت به این مسئله مطلع نشده بود. دفعه دومی که به باشگاه رفتم، سرگرد فرم سان شو می‌زد، ولی یک حرکت را اشتباه انجام داد. از قضا لباس ورزشی خود را نیز به همراه برده بودم. زمانی که من لباس را پوشیدم و فرم را زدم، سرگرد با تعجب پرسید که شما در این رشته کار کردید؟! پس از معرفی خودم، متوجه شد که مربی ارشد او، هم‌دوره من بود. این سرگرد پس از این اتفاق ارتباط نزدیکی با من و دیگر روحانیون برقرار کرد و بسیاری از مسائل شرعی خود را که به گفته خود چندین سال نمی‌توانست با کسی مطرح نماید، با من در میان می‌گذاشت.

ادامه دارد...